

بررسی قرارداد 1919 با تکیه بر نقش مخالفان قرارداد

کامبیز امیر اسمی¹

چکیده

انگلستان در اواخر جنگ جهانی اول تنها قدرت صاحب نفوذ در ایران بود. اینک انگلستان توجه‌اش معطوف به این امر شد که چگونه موقعیت انحصاری خود در ایران را حفظ کند. انقلاب روسیه، خروج روس‌ها از ایران و ایجاد حکومت کمونیستی در روسیه در تحولات ایران به ویژه روابط ایران و انگلیس نمی‌توانست بی‌اثر باشد. از اینرو انگلیسی‌ها به سرکردگی لرد کرزن تصمیم گرفتند روابط خود با ایران را بر پایه‌های جدیدی استوار نمایند. ثمره این تصمیم طراحی و انعقاد قرارداد 1919 بود. این مقاله درصدد است با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و شناسایی دلایل انعقاد قرارداد و فهم چرایی مخالفت با آن بپردازد، و به این پرسش پاسخ دهد که اقدام مخالفان داخلی و خارجی در مخالفت با قرارداد می‌توانست اقدامی مفید برای ایران آن روزگار باشد؟ در عین حال نوشتار حاضر مدعی است که پذیرش قرارداد از سوی وثوق‌الدوله در شرایط آن روز ایران اقدامی اشتباه نبوده. افزون بر آن مخالفت عده‌ای از مخالفان با قرارداد صادقانه و ناشی از شناخت صحیح نبوده است.

واژگان کلیدی: انگلستان، ایران، قرارداد، کرزن، وثوق‌الدوله.

1. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان. Kambizamiresmi49@gmail. Com

تاریخ دریافت: 1394/3/3 تاریخ پذیرش: 1394/6/23

مقدمه

انگلیسی‌ها به منظور تامین منافع خود تمایل یافتند به جای هرج و مرج که می‌توانست زمینه ساز نفوذ بلشویسم هم باشد ثبات و آرامش در ایران برقرار شود. در راستای حفظ موقعیت و تامین منافع انگلستان در ایران دو دیدگاه مطرح بود یکی دیدگاه لرد کرزن که در قالب قرارداد 1919 ارائه شد و دیگری دیدگاه حکومت هند انگلیس که می‌گفت هزینه‌ی استقرار امنیت در ایران باید بوسیله‌ی خود ایرانی‌ها پرداخت شود. بی‌گمان اوضاع ناگوار مالی، اداری و نظامی ایران در اواخر جنگ جهانی اول در متمایل کردن ایران و انگلیس جهت بستن قرارداد 1919 موثر بوده است. در این زمان وضع مالی ایران بسیار بد بود تا جایی که دولت ایران برای گردش امور خود به کمک‌های مستقیم مالی انگلستان نیازمند شده بود. انگلیسی‌ها گذشته از مدد معاش‌های شخصی و محلی هر ماه مبلغ 350000 تومان برای مخارج دولت و 100000 تومان جهت مخارج سپاه قزاق پرداخت می‌کردند. (مکی، 1357: 144)

از نظر نظامی نیز نیروهای انگلیسی در جنوب، شمال شرقی و غرب ایران حضور موثر داشتند. بهار که خود از سیاستمداران فعال آن روزگار بود، انقلاب روسیه و اوضاع وخیم ایران را عامل اصلی بسته شدن قرارداد می‌داند. (بهار، 1387، ج1: 66) اوضاع بد مالی عامل مهمی در پذیرش قرارداد از سوی وثوق‌الدوله بود. وثوق‌الدوله باور داشت که بدون کمک مالی انگلستان ورشکستگی اقتصادی کشور و فروپاشی نظام پوسیده‌ی سلطنتی امری است اجتناب ناپذیر. عده‌ای از سیاستمداران ایرانی پذیرفته بودند که ایران به نظم، ثبات و آرامش نیاز دارد و این نیاز بدون

تجدید سازمان امور مالی کشور و ایجاد ارتش یکپارچه رفع نخواهد شد. البته میان اینان بر سر راه و روش و چگونگی رسیدن به این هدف اختلاف سلیقه وجود داشت. (کاتوزیان، 1380:125)

انگلیسی‌ها اعتقاد داشتند مرد توانمندی مانند وثوق‌الدوله می‌تواند به اوضاع آشفته‌ی ایران سامان دهد لذا از رییس‌الوزرا شدنش حمایت کردند. مارلینگ وزیر مختار انگلستان از احمد شاه خواست که وثوق‌الدوله را به عنوان رییس‌الوزرا معرفی کند. احمد شاه که علاقه‌ای به وثوق‌الدوله نداشت گرفتن پول به عنوان مستمری ماهیانه از انگلیسی‌ها را شرط موافقت خود با رییس‌الوزرای او قرار داد و انگلیسی‌ها این شرط را پذیرفتند. (غنی، 1380:44)

وثوق‌الدوله با موافقت انگلیسی‌ها، دموکرات‌های تشکیلی و مخالفت عده‌ای از شخصیت‌های سیاسی، درباریان، بازماندگان کمیته‌ی مجازات، دموکرات‌های ضدتشکیلی و بی‌میلی احمد شاه در مرداد 1297 رییس‌الوزرا شد. دموکرات‌های طرفدار وثوق‌الدوله کنار آمدن با انگلستان را راه نجات کشور و خلاص شدن از شر دولت‌های بی‌عرضه می‌دانستند. (بهار، 1387، ج 1: 61) به این ترتیب شرایط برای شکل گرفتن قرارداد 1919 فراهم شد. سیروس غنی در کتاب ایران: برآمدن رضاخان و بر افتادن قاجار و کاتوزیان در کتاب دولت و جامعه در ایران انقراض قاجار و استقرار پهلوی پژوهش‌های ارزشمندی درباره‌ی قرارداد 1919 انجام داده‌اند. حسین مکی نیز در سال‌های دور در کتاب احمدشاه موضوع قرار داد را مورد بررسی قرار داده است. اما مفصل‌ترین بررسی از قرارداد در کتاب سیمای سلطان احمد شاه دکتر شیخ‌الاسلامی آمده است.

نوشتار حاضر کوششی است برای پاسخ دادن به پرسش‌های ذیل می‌باشد:

- هدف انگلستان از طرح قرارداد 1919 چه بود؟

- آیا مخالفت با قرارداد و جلوگیری از اجرای آن یک موفقیت بود؟

- چرا فضایی پر از خشم و ناخشنودی نسبت به قرارداد به وجود آمد؟

قرارداد 1919

چارچوب و محتوای قرارداد 1919 حاصل فکر و نظر لرد کرزن است. با توجه به سخنان کرزن خطاب به اعضا هیئت دولت معلوم می‌شود که قرارداد در انگلستان طراحی شده است.¹

در دسامبر 1918 اعضای کمیته‌ی امور خاوری کابینه‌ی انگلیس اعلام کردند که نیروهای انگلیسی از ایران فراخوانده شوند و وظیفه‌ی مقابله با کمونیسم در ایران به عهده‌ی خود ایرانیان واگذار گردد. کرزن با این نظر مخالفت کرد. کرزن پیشنهاد داد که به ایران کمک نمایند تا ارتشی یکپارچه ایجاد نماید مشروط به اینکه یک افسر عالی رتبه‌ی انگلیسی در رأس این ارتش قرار گیرد. شرط دوم کرزن برای همکاری با ایران جهت اصلاح وضع ناگوارش گذاشتن یک مامور انگلیسی به عنوان مستشار در رأس تشکیلات دارایی ایران است. کرزن می‌گفت اگر ایرانیان این دو شرط ما را پذیرفتند حاضریم به آنها کمک کنیم تا وضع آشفته‌ی خود را اصلاح کنند. اما اگر حاضر به قبول این پیشنهادها نشدند به آنها اعلام می‌کنیم که از این به بعد کمک مالی دریافت نخواهند کرد، طلب گذشته‌ی ما را نیز باید پرداخت کنند و مسئولیت مقابله با خطر کمونیسم به عهده‌ی خودشان است.²

پس از انعقاد قرارداد کرزن توضیحاتی به اعضای دولت انگلیس ارائه داد که به روشنی انگیزه‌های او از طرح نمودن قرارداد را نشان می‌دهد او می‌گوید: "ما ورقه‌ی حمایت نسبت به ایران دریافت نکرده‌ایم و ایران هم ذره‌ای از آزادی‌های خویش را به ما واگذار ننموده ما نیز تعهدات جدید و سنگین نکرده‌ایم که در آتیه موجب زحمت ما بشود. وضعیت جغرافیایی آن مملکت و اهمیت منافع ما در آنجا و امنیت آینده‌ی شرق امپراطوری برای ما غیر ممکن می‌سازد که خود را نسبت به حوادث ایران بی‌علاقه نشان دهیم اکنون که مسئولیت حمایت بین‌النهرین را در دست داریم و از این راه در سمت مغرب با ایران هم مرز می‌شویم نمی‌توانیم اجازه دهیم که بین سرحدات هند و مرزهای تحت‌الحمایه‌ی جدید یک محیط بی‌نظمی و تحریکات دشمنان و از هم گسیختگی مالی و اغتشاش سیاسی وجود داشته باشد اگر ایران را به حال خود بگذاریم بیم آن می‌رود که نفوذ بلشویکی منجر به تسخیر کلیه کشور بشود. ما در جنوب غربی ایران تملکات بزرگی عبارت از میدان‌های نفت داریم که مورد بهره‌برداری بحریه پادشاهی‌ها می‌باشد". (سپهر، 42:1374) بنابراین هدف اصلی کرزن از طرح قرارداد حفظ منافع بریتانیا در ایران، هند و عراق از یک سو و ایجاد مانعی در برابر نفوذ بلشویک‌ها در ایران از سوی دیگر است. کرزن در همین گزارش با تأکید و صراحت به اعضای هیئت دولت انگلیس می‌گوید که قرارداد به دنبال تحت‌الحمایه کردن ایران نیست. (سپهر، 43:1374).

کرزن درباره‌ی تحت‌الحمایه نکردن ایران نمی‌توانست به هیئت دولت دروغ بگوید در عین حال چون مخاطبان او نیز ایرانیان یا رقبای انگلستان نبودند پس قصد عوام فریبی و خدعه نیز نداشت. کرزن در سپتامبر 1919 در ضیافتی که به افتخار

نصرت‌الدوله برگزار کرد باز هم درباره‌ی قرار داد سخن گفت. او هدف قرارداد را کمک به ایران جهت برقراری نظم، امنیت و ترقی این کشور دانست و باز هم بر حفظ استقلال ایران تأکید نموده تحت‌الحمايه نمودن ایران را به دلیل تعهداتی که به همراه خواهد داشت برای انگلستان غیر مفید دانست. شبیه به همین سخنان را کرزن در نوامبر 1920/آبان 1299 در مجلس اشراف انگلستان تکرار کرد.³

عموماً کسانی که درباره‌ی قرارداد 1919 مطلب نوشته‌اند ذکر نموده‌اند که هدف قرارداد از بین بردن استقلال ایران یا تحت‌الحمايه نمودن ایران بوده است.⁴ با توجه به نقل قول‌هایی که از کرزن آمد اعتبار دیدگاه سست می‌شود. به ویژه که باید در نظر داشته باشیم بعد از جنگ جهانی اول و تشکیل شدن جامعه‌ی ملل از بین بردن استقلال یک کشور مستقل و تحت‌الحمايه کردن آن بوسیله کشوری نظیر انگلستان به سادگی امکان پذیر نبود و می‌توانست وجهی آن کشور را در سطح بین‌المللی مخدوش نماید و یا واکنش رقبا و قدرت‌های بزرگ دیگر را به همراه آورد. قرارداد ایران و انگلیس و قرارداد اعطای دو میلیون لیره وام به دولت ایران در روز نهم اوت 1919 به امضا کاکس وزیر مختار انگلیس و وثوق‌الدوله رسید. روز بعد متن قرارداد و نامه مربوط به خواسته‌های ایران درباره‌ی تغییرات مرزی در روزنامه‌های تهران منتشر شد. سه روز بعد از انعقاد قرارداد نیز احمد شاه به سفر اروپا رفت. پس از انتشار متن قرارداد کاکس در گزارش خود به کرزن آورده است که من تعمد داشتم که متن قرارداد "با جلب رضایت قبلی شاه پیش از عزیمت ایشان به اروپا انتشار یابد زیرا در غیر این صورت مخالفان حتماً شایع می‌کردند که چون شاه با قرارداد

مخالف بوده انتشار آن در غیاب معظم له صورت گرفته است" (اسناد قراداد 1919، 1365:35)

در همان روز که متن قرارداد منتشر شد اعلامیه‌ی مهم وثوق‌الدوله نیز که دلایل پذیرش قرارداد از جانب وی را نشان می‌داد انتشار یافت. وثوق‌الدوله ابتدا مشکلات کشور به هنگام نخست وزیر شدن خود را بیان می‌کند که مهمترین آن‌ها عبارتند از نبودن امنیت، فعالیت تروریست‌ها، ضعف حکومت مرکزی، وضع ناگوار ولایات، ناتوانی و از هم پاشیدگی قوای تامینه، خالی بودن خزانه، سپس بیان می‌کند که انگلیسی‌ها به دلیل مصالح خویش در رفع مشکلات او را یاری دادند. وثوق‌الدوله تامین زندگی مردم و ترقی و تکامل مملکت از نظر اقتصادی و اجتماعی را هدف خود می‌داند. معتقد است که نجات کشور بدون انتظام و اصلاح ادارات میسر نیست و انتظام ادارات بدون توسل به معلومات فنی مستشارها و معلمین خارجی صورت نمی‌پذیرد و برای شروع هر اصلاحی نیاز به سرمایه‌ی خارجی است زیرا وضع مالی کشور بد است. او متوسل شدن به قدرتهای بزرگ به منظور پیشرفت و نیرومند شدن را جایز می‌شمرد. وثوق‌الدوله می‌گوید ما نیازمند کمک‌های فنی و مالی خارجی هستیم و بهتر است از یک کشور کمک گرفته شود و برای ایران هم فقط مراجعه به یک کشور یعنی انگلستان ممکن بود⁵. وثوق‌الدوله باور داشت که قرارداد برای ایران مفید است و ایران را از شر زمامداران و کارمندان نالایق رها خواهد کرد. او قرارداد را تهدیدی برای ایران نمی‌دانست و به مردم اطمینان می‌داد که استقلال و تمامیت ارضی ایران محفوظ می‌ماند و دولت برای استفاده از کمک‌های فنی و مالی

انگلیس هیچ تکلیف مضری را بر عهده نگرفته. او عضویت ایران در مجمع اتفاق ملل را دلیلی بر استقلال ایران می‌دانست. (مکی، 1357:35)

پس از انتشار متن قرارداد کسانانی شروع به انتقاد کردند که این قرارداد استقلال ایران را نقض کرده است به خواهش وثوق‌الدوله کاکس بیانیه‌ای صادر کرد و در آن تأکید کرد که قرارداد حاکمیت و استقلال ملی ایرانیان را محدود نمی‌سازد.⁶ وثوق‌الدوله حتی از کرزن درخواست کرد که انگلستان و آمریکا درباره‌ی استقلال ایران و تضمین تمامیت ارضی کشور اعلامیه‌ای صادر کنند که البته کرزن نپذیرفت. (غنی، 1380:52)

وثوق‌الدوله همیشه از اقدام خود در بستن قرارداد 1919 دفاع می‌کرد. او پس از سقوط رضا شاه در پاسخ به سؤال اللهیارخان صالح که پرسیده بود چه شد که آن قرارداد را بستید؟ گفت "اگر یک قدرت خارجی (انگلستان) در آن روزگار از دولت ایران حمایت می‌کرد ایران به حکومت مستبده تبدیل نمی‌شد من موافق تغییر سیستم حکومت از مشروطه به دیکتاتوری نبودم و می‌خواستم از راه بستن قرارداد جلوی ظهور دیکتاتوری را بگیرم. (شیخ‌الاسلامی، 1368: 1/335)

شاید برخی این استدلال وثوق‌الدوله را ناشی از حوادث بعدی ایران یعنی ماجرای ظهور رضا شاه بدانند اما واقعاً در سال‌های آخر جنگ جهانی اول اندیشه‌ی ظهور یک دیکتاتور برای اصلاح امور کشور وجود داشت. حتی بعضی از افراد به خود وثوق‌الدوله در دوران رییس‌الوزرای اش پیشنهاد می‌دادند چنین نقشی را بر عهده بگیرد. (بهار، 1387: 61 و 69)

مخالفانقرارداد و وثوقالدوله در اقدام او جهت بستن قرارداد نیت خیری مشاهده نکرده، او را به خیانت و وطن فروشی متهم کرده‌اند. اما به نظر می‌رسد این اتهام نادرست باشد. در این ارتباط سندی موجود است. در دسامبر 1919 نصرت‌الدوله خواست‌های ایران درباره‌ی تغییر حدود و مرزهای ایران را به اطلاع کرزن رساند. کرزن خواسته‌های ایران را نپذیرفت. وثوق‌الدوله طی تلگرافی از کرزن انتقاد کرده، گفت ظاهراً ایشان انتظاراتی را که ملت ایران از قرارداد دارد درست درک نکرده‌اند. وثوق‌الدوله این اقدام کرزن را بی‌اعتنایی به روح و مفاد قرارداد دانسته از او می‌خواهد که در کنفرانس صلح پاریس از دعاوی ارضی ایران حمایت کند و وثوق‌الدوله یادآوری می‌کند که مشکل اساسی ما در حال حاضر نحوه‌ی تفسیر روح قرارداد و اجرای صحیح و بی‌ابهام آن می‌باشد. اگر منظور اصلی قرارداد با آن برداشتی که ما از آن داشته‌ایم منطبق باشد می‌توان امیدوار بود که این قرارداد قدرت و قوت نصیب ایران سازد. اما اگر حکومت بریتانیا اکراه دارد از اینکه متحمل هزینه‌های سنگین به خاطر ایران گردد و حتی حاضر نیست که با دادن کمک‌های معنوی موثر ایران را قادر سازد که دعاوی حقه و حقوق مشروع و عادلانه خود را به تصدیق اعضا کنفرانس پاریس برساند در آن صورت باید گفت که روح قرارداد متأسفانه در مفهومی تنگ و باریک تعبیر شده است و این تفسیری که بریتانیا از آن می‌کند کاملاً مغایر برداشتی است که ما از مفهوم آن داشته‌ایم و مردم ایران را نیز وادار و امیدوار کرده ایم که همان برداشت ما را بپذیرند.⁷

نگرانی وثوق‌الدوله از اینکه انگلیسی‌ها مطابق با روح و مفاد قرارداد البته به آن شکلی که او برداشت کرده عمل نکنند نمی‌تواند احساس یک وطن فروش خائن

باشد. موضوع پول گرفتن وثوق الدوله، صارم الدوله و نصرت الدوله از انگلیسی ها به منظور امضا کردن قرارداد از مهم ترین دلایلی است که آن را نشانه‌ی خیانت و سوء نیت این سه نفر می‌دانند. کاکس در روزهای چهاردهم و پانزدهم اوت 1919 تلگراف‌هایی برای کرزن فرستاد که از آن‌ها نکات زیر را می‌توان فهمید.

- میان کاکس و وزرای سه‌گانه بر سر موضوع دریافت پول گفتگوهای صورت گرفته.

- وثوق الدوله بر خلاف صارم الدوله و نصرت الدوله در قضیه مطالبه‌ی پول پافشاری نداشت.

- دولت ایران دریافت این پول را به عنوان قسط اول وام دو میلیون لیره‌ای قبول می‌کند.

- گیرنده‌ی پول از بانک شاهی سفارت انگلستان خواهد بود.

- کاکس از کرزن درخواست می‌کند مبلغ این پول را که معادل چهارصد هزار تومان بود به بانک شاهی شعبه لندن بپردازد. (اسناد قرارداد 1919، 1365: 47)

نکته قابل توجه این است که قرارداد در روز نهم اوت امضا شده بود ولی تا هنگام ارسال این تلگراف‌ها یعنی 14 و 15 اوت هنوز پولی به امضا کنندگان ایرانی داده نشده بود. پس این سخن که وزرای ایرانی پول می‌خواستند که قرارداد را امضا کنند کاملاً باطل است.

احمد شاه و قرارداد 1919

احمد شاه به منافع فردی خود و کسب پول بیش از هر چیز دیگر اهمیت می‌داد. کمره‌ای روایتی دارد که توجه شاه به پول را به خوبی نشان می‌دهد: "با ذکاء مشغول

صحبت اظهار داشت که شاه هشت میلیون فرانک و قتی که فرانک یک هزار و صد دینار بود خریداری نمود و تحویل بانک فرانسه داده. سابق هم شنیده بودم که مبلغی وجوه به توسط ایرپلان و نفایس حمل به لندن نموده". (کمره‌ای، 1384: 221 / 1)

احمد شاه از جریان گفتگوهای مربوط به قرارداد آگاه بود. سفر او به اروپا شاهی است بر این ادعا. شاه برای آن که در تنگنای موافقت یا مخالفت با قرارداد قرار نگیرد. به اروپا رفت ترتیب سفر نیز به گونه‌ای چیده شد که بلافاصله بعد از انتشار خبر انعقاد قرارداد او از ایران برود. شاه سه روز پس از امضا شدن قرارداد از ایران رفت سفر شاه به اروپا قطعاً به مقدمات و تدارکاتی نیاز داشت که ظرف دو سه روز فراهم شدنش امکان‌پذیر نبود پس میان تاریخ انتشار خبر انعقاد قرارداد و سفر شاه هماهنگی بوده است. در همان روز انعقاد قرارداد کاکس طی دو نامه به وثوق‌الدوله به تقاضاهای احمد شاه از انگلیسی‌ها پاسخ داد.⁸ انگلیسی‌ها دو تقاضا از جانب احمد شاه دریافت کرده بودند یکی تضمین سلطنت وی و اعقابش از طرف بریتانیا و دیگری ادامه‌ی مقرری ماهیانه‌اش تا آخر عمر انگلیسی‌ها با اولی موافقت کردند ولی با دومی نه.

چرا احمد شاه این دو خواسته را مطرح می‌کند؟ چرا انگلیسی‌ها پس از انعقاد قرارداد به آن‌ها پاسخ می‌دهند؟ پاسخ آن است که احمد شاه از گفتگوهای مربوط به قرارداد اطلاع داشته و چون می‌دانسته همراهی با گفتگوها و حمایتش از قرارداد برای انگلیسی‌ها مهم است این خواسته‌ها را مطرح کرده است. دور نیست که موافقت او با قرارداد باعث شده باشد که انگلیسی‌ها با یکی از خواسته‌هایش موافقت کنند. خلاصه این که احمدشاه در این مقطع مخالفتی با قرارداد نداشته زیرا سلطنت

و مقرری ماهیانه‌اش به خطر نیفتاده بود. احمدشاه پس از رفتن به اروپا و پیش از ورود به انگلستان همه جا از زبان ایرانیان مطالبی بر علیه قرارداد شنید و در روزنامه‌ها نیز مطالبی در انتقاد از خود دید. او احساس کرد عقد قرارداد حرمت او و کشورش را در نظر خارجیان پایین آورده است. (دولت‌آبادی، 1371: 4/ 131 -

(132)

به نظر می‌رسد این مسائل شاه را نسبت به موافقت و حمایت از قرارداد دچار تردید کرده باشد زیرا او در ضیافت مهمانی که پادشاه انگلستان به افتخار او ترتیب بود از قرارداد سخنی نگفت. در مهمانی دیگری نیز که شهردار لندن برگزار کرد باز هم سخنی درباره‌ی قرارداد نگفت اما احمد شاه در مهمانی لرد کرزن از قرارداد دفاع کرد.⁹ دولت‌آبادی نیز اشاره دارد که انگلیسی‌ها در انگلستان احمد شاه را بسیار مورد احترام قرار دادند و بالاخره تصدیق و موافقت زبانی او از قرارداد را می‌گیرند.

(دولت‌آبادی، 1371: 4/ 132)

احمد شاه به هنگام بازگشت از سفر فرنگ در نجف با شریعت اصفهانی دیدار کرد. شریعت اصفهانی و چند تن دیگر از علما از شاه تقاضا کردند که از مقاصد انگلیسی‌ها پیروی نکند و قرارداد را لغو کند. شاه به آن‌ها قول داد تا جایی که مقدور باشد در اجرای خواسته‌های ایشان بکوشد. (دولت‌آبادی، 1371: 146) شاه بعد از بازگشت به ایران به طور جدی به مخالفت با وثوق مشغول شد. احمد شاه فضای تهران را نسبت به قرارداد نامساعد دید و چون احساس می‌کرد که قرارداد متزلزل شده است به تدریج چهره فردی مخالف با قرارداد به خود گرفت.

مخالفان قرارداد

کاکس در گزارش خود به کرزن ضمن بیان این نکته که غالباً توده‌ی مردم مخالفت خاصی با قرارداد ندارند اصلی‌ترین ناراضیان قرارداد را به صورت زیر دسته‌بندی می‌کند.

- عناصر افراطی که در رأس آن‌ها سید حسن مدرس و حاج امام جمعه خوئی قرار دارند.

- دشمنان و رقیبان سیاسی نخست وزیر و تنی چند از سیاستگران پایتخت که در این اواخر بیکار شده اند و از ما هم انتظار کمکی نمی‌توانند داشته باشند.

- افسران لشکر قزاق (روسی و ایرانی)

- سفارتخانه‌های فرانسه و آمریکا و روسیه در تهران تا آن‌جا که بتوانند و مطمئن باشند که زحمت یا اشکالی خاص برایشان ایجاد نمی‌شود با قرارداد مخالفند. (اسناد قرارداد 1919، 1365: 58)

دولت‌آبادی نیز عده‌ای از روحانیون، جمعی از رجال دولت، کسانی که از رییس‌الوزرای وثوق ناراضی‌اند، کسانی که حامی مخالفان وثوق‌الدوله هستند و وطن‌خواهانی که نمی‌خواهند تحت نفوذ بیگانگان باشند را به عنوان مخالفان قرارداد معرفی می‌کند. (دولت‌آبادی، 1371: 134)

برای مخالفت با قرارداد نیز دلایل گوناگون وجود داشت. عده‌ای می‌گفتند قرارداد پیش از افتتاح مجلس نمی‌بایست امضا می‌شد و دیگر این‌که برای پایان قرارداد مدت معینی در متن سند پیش‌بینی نشده. (اسناد قرارداد 1919، 1365: 61) کسانی از این‌که قرارداد بدون اطلاع رجال درجه اول و عموم ملت منعقد شده ناراضی بودند

و به این موضوع اشاره داشتند که اگر روسیه مدعی حقوقی در ایران شود جواب او را که باید دهد ایران یا انگلیس (دولت‌آبادی، 1371: 130)

عده‌ای می‌گفتند که نفوذ فراوان انگلیس در ایران سوءظن قدرت‌های دیگر را فراهم می‌سازد و این امر نهایتاً موقعیت ایران را به خطر می‌اندازد. گروهی نیز عقد قرارداد را عملی خائنه از سوی گروهی از دولتمردان می‌دانستند و برای عده‌ای نیز قرارداد یک ناکامی سیاسی بود که شرافت ملی و شخصیت آن‌ها را خدشه دار کرده بود. (آوری، 1373، ج 1: 381) این اندیشه که قرارداد باعث می‌شود ایران استقلال خود را از دست بدهد و تحت‌الحمایه انگلستان شود موجب وحشت مردم از قرارداد می‌شد. واکنش منفی امریکا، فرانسه و روسیه به قرارداد در اذهان ایرانیان جای تردید باقی نمی‌گذاشت که زمامداران‌شان کشور را به انگلیس فروخته‌اند. (کاتوزیان، 1380: 165)

سختگیری‌های وثوق‌الدوله بر عده از مخالفان و دستگیر کردن و به تبعید فرستادن چند تن از شخصیت‌های سیاسی سرشناس و برهم زدن اجتماعاتی که علیه وی و قرارداد برپا می‌شد هم حساسیت مردم نسبت به قرارداد را افزایش می‌داد و هم موجب رنجش کسانی می‌شد که این نوع کارها را غیرقانونی و خلاف نظام مشروطه می‌دانستند. وثوق‌الدوله برای ساکت کردن معترضان صرفاً متوسل به سرکوب و خشونت نشد او به خوبی می‌دانست که عده‌ای از معترضان با قرارداد و محتوای آن مشکل ندارند و در صورت دریافت پول ساکت خواهند شد. وثوق با بعضی از این افراد برای پرداخت مبالغی به ایشان وارد گفتگو شد.¹⁰ این‌که بعضی افراد برای

رسیدن به خواسته‌های مالی خود یا به دست آوردن مقام و منصب و یا کینه‌ورزی با وثوق مخالفت با قرارداد را وسیله قرار داده بودند مورد تردید نیست.¹¹

عدم رضایت علما و روحانیون سرشناس تهران از قرارداد در تحریک شدن هر چه بیشتر مردم علیه قرارداد نقش داشت. دموکرات‌های ضد تشکیلی از جمله گروه‌هایی بودند که به شدت علیه وثوق‌الدوله و قرارداد اقدام می‌کردند.¹² ضد تشکیلی‌ها به سرکردگی کمره‌ای به شدت با شخص وثوق‌الدوله دشمنی داشتند. کمره‌ای علت اصلی مخالفت خود با وثوق‌الدوله را این می‌داند که اندیشه تشکیل شدن دوباره حزب دموکرات اصلاً از جانب وثوق‌الدوله بوده است. (کمره‌ای، 1384: 1/ 405)

ضد تشکیلی‌ها ارتباط بسیار نزدیکی با افراد کمیته مجازات داشتند. افراد کمیته نیز از مخالفان عمده‌ی وثوق بودند کمره‌ای برای آزاد کردن اعضای این گروه که به زندان افتاده بودند تلاش زیادی می‌کرد.¹³ ضد تشکیلی‌ها رقبای خود یعنی دموکرات‌های تشکیلی را وابسته و دست‌نشانده‌ی انگلستان معرفی می‌کردند. برخی مخالفان وثوق نظیر ضد تشکیلی‌ها و صمصام‌السلطنه پیش از این که موضوع قرارداد مطرح شود به وثوق تهمت می‌زدند که می‌خواهد ایران را تحت‌الحمایه اجنبی نماید یا اینکه می‌خواهد کشور را تجزیه کند. (کمره‌ای، 1384: 759 و 716). این تهمت‌های غیر مستند فقط به منظور تخریب وثوق بود بنابراین سخنان این افراد بعد از آشکار شدن قرارداد نیز در ارتباط با از بین رفتن استقلال ایران در راستای همین ادبیات تخریبی بود نه این که واقعاً از محتوای قرارداد احساس خطر می‌کردند. ضد تشکیلی‌ها تلاش همه جانبه می‌کردند که دولت وثوق را ساقط کنند کمره‌ای در جلسات ضد تشکیلی‌ها به صراحت بیان می‌کرد که باید کابینه وثوق انداخته شود.¹⁴

یادداشت‌های کمره‌ای به خوبی روشن می‌کند که ضد تشکیلی‌ها با شخص وثوق -الدوله و طرفدارانش مشکل دارند نه موضوع و محتوای قرارداد نوشته‌های کمره‌ای حاکی از آن است که او به طور ضمنی محتوای قرارداد را قبول دارد.¹⁵ در این بخش به بررسی آرای عبدالله مستوفی که بیانگر دیدگاه طیفی از مخالفان قرارداد و وثوق است می‌پردازیم. مستوفی بیانیه‌ای که وثوق‌الدوله درباره ی دلایل و چگونگی پذیرش قرارداد صادر کرده بود را بند به بند مورد نقد قرار می‌دهد. مستوفی می‌گوید ما نیاز به معلم و مستشار خارجی نداریم و مدیران ایرانی کار خود را بلد هستند (مستوفی، 1343: 52/3)

رنجش شدید مستوفی از تلاش برای استخدام مستشاران خارجی بویژه در حوزه‌ی اداری شاید ناشی از آن باشد که این فرد ریشه‌دار اداری این کارشناسان را رقیب و مزاحم خود می‌دید و احساس می‌کرد که وجود آن‌ها باعث می‌شود انحصار مناصب اداری از چنگ خانواده‌هایی نظیر خانواده‌ی مستوفی خارج شود. مستوفی برای این -که ثابت کند انعقاد قرارداد لازم نبوده و وثوق‌الدوله اشتباه کرده است پیشنهادهایی به او ارائه می‌دهد.¹⁶ با دقت در پیشنهادهای مستوفی این برداشت به دست می‌آید که اگر وثوق به جای انگلستان با کشور دیگری نظیر آمریکا قرارداد می‌بست، آنگاه از نظر مستوفی قرارداد مشکلی نداشت.

نقد مستوفی از قرارداد سراسر بدگویی از وثوق‌الدوله است. ضدیت مستوفی با وثوق‌الدوله آشکارا در این نقد به چشم می‌خورد. لبه‌ی تند نقد او متوجه شخص وثوق‌الدوله است نه محتوای قرارداد. مستوفی عملکرد وثوق‌الدوله از زمان مشروطه تا زمان قرارداد را زیرسوال برده او را از نظر مالی و اداری فردی فاسد، معرفی می‌-

کند. مستوفی می‌نویسد ایران پیش از رییس‌الوزرای وثوق درهیچ زمینه‌ای مشکل نداشت و به صراحت می‌گوید مشکل ایران وثوق‌الدوله و طرفداران او هستند. (مستوفی، 1343: 52/3) اگر تمام معایبی که مستوفی ذکر می‌کند در وثوق‌الدوله هم وجود می‌داشت یک نکته روشن است و آن این‌که مستوفی و امثال او با قرارداد مخالف هستند زیرا از وثوق‌الدوله بیزارند.

یکی از کسانی که بدون هیچ انگیزه‌ی فردی به مخالفت با قرارداد برخاست آیت‌الله-مدرس بود. مدرس از رییس‌الوزرا شدن وثوق حمایت کرده بود اما زمانی که موضوع قرارداد مطرح شد نه به دلیل نفرت از وثوق، نه برای به دست آوردن پول و نه برای کسب مقام بلکه به دلیل آن که احساس می‌کرد قرارداد استقلال ایران را به خطر می‌اندازد با آن مخالفت کرد. واکنش اولیه مدرس نسبت به قرارداد منطقی و حاکی از تعادل سیاسی و بی‌غرضی است کمره‌ای درباره‌ی این واکنش مدرس می‌نویسد: "مدرس محل اعتماد نیست به جهت این که پیشنهاد کرده بود که خوب است اول پروتست نکنیم برویم نزد وثوق‌الدوله بلکه خودش رفع اشکال بکند اگر نکرد بعد پروتست نماییم چون راه آشتی را با وثوق‌الدوله به الفاظ نگاه می‌دارد و او را خائن از روی عقیده نمی‌داند بلکه می‌گوید عقیده‌ی وثوق خدمت به وطن در این کنترل بوده. (کمره‌ای، 1384: 1078/2) مدرس در مرحله بعد به اقداماتی عملی‌تر در مخالفت با قرارداد دست زد. بازار را منقلب کرد، مردم را تحریک نمود، به آزادی‌خواهان و میهن‌پرستان کمک کرد، مراکز تحصن را که در خانه‌ی علما مخصوصاً خانه‌ی امام جمعه خوئی بود تقویت نمود. (تبریزی شیرازی، 1379: 73)

این نکته که مدرس شاخص‌ترین مخالف قرارداد است در گزارش‌های کاکس به کرزن نیز آمده است.¹⁷

مدرس بعدها در یک نطق رسمی دلایل مخالفت خود با قرارداد را بر شمرد و گفت "می‌پرسیدند کجای این قرارداد بد است؟ می‌گفتم ماده اول که استقلال ما را تضمین می‌کند چون نشان می‌دهد که توطئه‌ای علیه آن استقلال در شرف انجام است. این قرارداد می‌خواهد اختیار پول و قشون ما را از دستمان بگیرد و به دست بیگانه بسپارد. اگر بنا باشد که ایران مستقل بماند در آن صورت مالش، حالش همه چیزش باید متعلق به ایران و در دست ایرانی باشد. اما این قرارداد بیگانه را در دو چیز ما شرکت می‌داد. یکی در پولمان و دیگری در قوه‌ی نظامی مان" (اسناد قرارداد 1919، 1365: 302 – 303)

به غیر از مخالفان داخلی، فرانسوی‌ها، آمریکایی‌ها، روس‌ها و حتی بخشی از سیاسیون انگلیسی نیز با قرارداد مخالفت داشتند. سفارتخانه‌های فرانسه و آمریکا در تهران با مخالفان قرارداد ارتباط برقرار کرده آن‌ها را به مخالفت دلگرم می‌نمودند از سوی دیگر مخالفان نیز در تلاش بودند که حمایت آن سفارتخانه‌ها را در مبارزه خود با قرارداد به دست آورند. (سپهر، 1374: 35 – 37؛ کمره‌ای، 1384: 2/ 1062)

حتی سفیر آمریکا به جمعی از ناراضیان که به سفارتخانه رفته بودند گفت قرارداد را به هم بزنید و انگلیس را جواب بگویید و به آمریکا مراجعه کنید قول می‌دهم هر قدر پول بخواهید به شما خواهند داد و مستشار هم می‌فرستند و مالیه و نظام و معادن شما را اداره خواهند کرد. (بهار، 1387: 71 / 1) مخالفت بونن سفیر فرانسه

در تهران با قرارداد به حدی بود که کاکس از کرزن درخواست می‌کرد که وی از حکومت فرانسه درخواست کند محل مأموریت این فرد را عوض کنند. (اسناد قرارداد 1919، 1365: 39-40) نصرت‌الدوله به شدت از عملکرد روزنامه‌های فرانسوی نگران بود و می‌گفت روزنامه‌های فرانسوی "می‌کوشند حکومت کنونی ایران را در انظار جهانیان تحقیر و آن را حکومتی معرفی کنند که سرنوشت ایران را علی‌رغم مخالفت ملت به دست بریتانیا سپرده است نیز می‌خواهند خود قرارداد را به عنوان مدرکی که حاکی از خیانت عاقدان ایرانی و انگلیسی آن به اصول چهارده گانه ویلسن است قلمداد کنند" (اسناد قرارداد 1919، 1365: 62)

ظاهراً معلمان فرانسوی مقیم تهران در تحریک کردن دانشجویان علیه قرارداد نقش داشتند. (اسناد قرارداد 1919، 1365: 90) سفارت فرانسه به این عنوان که حافظ منافع سوئد در ایران است و مستشاران ژاندارمری سوئدی هستند با آن‌ها تماس برقرار کرده حتی آن‌ها را به مخالفت با قرارداد تشویق می‌کرد. (اسناد قرارداد 1919، 1365: 104) فرانسوی‌ها افزایش یافتن نفوذ انحصاری انگلستان در ایران را برای خود یک ناکامی سیاسی در رقابت با انگلیسی‌ها به شمار می‌آوردند و طبیعی بود که روی خوش به قرارداد نشان ندهند. یکی از نتایج مخالفت‌های روزنامه‌های اروپایی با قرارداد این بود که سیاسیون و ایرانیان ساکن در اروپا نیز به مبارزه علیه قرارداد تشویق شدند. (کاتوزیان، 1380: 179) سفارت ایران در پاریس نیز بوسیله‌ی ممتازالسلطنه به یکی از مراکز مخالفت با قرارداد تبدیل شده بود او گزارش‌هایی شاید اغراق آمیز درباره‌ی مخالفت اروپاییان با قرارداد به تهران می‌فرستاد. (بهار،

در تاریخ نهم سپتامبر 1919 سفارت آمریکا در تهران اعلامیه‌ی وزارت خارجه‌ی آن کشور را در پاسخ به مقاله‌ای که روزنامه‌ی رعد در انتقاد از سیاست‌های آمریکا نسبت به ایران نوشته بود منتشر کرد این نخستین اقدام صریح و جدی آمریکا علیه قرارداد 1919 بود. این اعلامیه علت شکست هیئت اعزامی ایران به کنفرانس صلح پاریس را انعقاد قرارداد ایران و انگلیس می‌داند.¹⁸ کرزن به طور ضمنی نارضایتی خود از این اقدام وزیر مختار آمریکا در تهران را به اطلاع دیویس سفیر کبیر آمریکا در لندن رساند.¹⁹

لرد گری سفیر بریتانیا در واشنگتن دلیل مخالفت آمریکایی‌ها با قرارداد را این گونه بیان می‌کند " آمریکایی‌ها قرارداد را به چشم بند و بستی که هدفش الحاق عملی ایران به امپراطوری انگلستان است می‌نگرند. آن‌ها بر این عقیده‌اند که حکومت فعلی ایران مخلوق اراده‌ی انگلیس‌هاست". (اسناد قرارداد 1919، 1365: 135)

حکومت بلشویکی روسیه نیز طی چند بیانیه مخالفت رسمی خود با قرارداد 1919 را اعلام کرده حکومت ایران را متهم کرد که با این قرارداد کشور خود را به انگلستان فروخته است. (اسناد قرارداد 1919، 1365: 174 - 175) بلشویک‌ها می‌ترسیدند به واسطه‌ی قرارداد ایران پایگاه نفوذ و حضور انگلیسی‌ها شود و این تهدیدی برای آن‌ها بود. اقدام دوستانه‌ی بلشویک‌ها در لغو قرارداد و امتیازاتی که تزارها علیه ایرانیان به اجرا درآورده بودند موجب محبوبیت آن‌ها نزد گروهی از ایرانیان شده بود و اینک مخالفت ایشان با قرارداد نیز عملی صادقانه و دوستانه به نظر می‌رسید که می‌توانست عده‌ای از ایرانیان را در مخالفت با قرارداد با آن‌ها همراه کند. علاوه بر روس‌های بلشویک بازماندگان رژیم تزاری و سپاه قزاق ایران هم با قرارداد مخالف

بودند. قرارداد احساسات ضد انگلیسی در میان قزاقان را افزایش داد زیرا آنها احساس می‌کردند که از این پس زیر نظر افسران انگلیسی قرار خواهند گرفت.²⁰ فرماندهان سپاه قزاق به دلیل رقابت دیرینه‌ی روس و انگلیس در ایران راضی به افزایش نفوذ انگلیس نبودند علاوه بر این قرارداد موقعیت، امتیازات و درآمد آنها را به خطر می‌انداخت. پس طبیعی بود که آنها جزو مخالفان قرارداد قرار گیرند. همین موضوع به سایر مخالفان قرارداد دلگرمی می‌داد زیرا می‌توانستند روی حمایت قزاق‌ها از خود حساب کنند. اولین اعتراضات علیه قرارداد 1919 از سوی خود انگلیسی‌ها ابراز شد. زیرا زمانی که کرزن طرح خود را در کابینه‌ی انگلیس مطرح کرد مونتگ وزیر امور هند با طرح وی مخالفت کرد. لرد چلمسفورد نایب-السلطنه هند نیز با طرح کرزن موافق نبود.²¹ مقامات حکومت هند اعتقاد داشتند امور ایران باید زیر نظر آنها اداره شود در حالی که کرزن تلاش می‌کرد بواسطه‌ی قرارداد امور ایران را در اختیار لندن قرار دهد. این موضوع نیز عاملی بود. برای این-که حکومت هند قرارداد و سیاست‌های کرزن درباره‌ی ایران را مورد اعتراض قرار دهد. وزارت خزانه داری انگلستان نیز با توجه به اوضاع اقتصادی انگلستان بعد از جنگ و وفور بیکاری با تعهدات مالی نظیر قرارداد 1919 روی موافق نشان نمی‌داد. (آبادیان، 1390:482)

لرد گری سفیر بریتانیا در واشنگتن نیز جزو منتقدان قرارداد 1919 بود. او اعتقاد داشت که انگلستان باید آمریکا را هم در امور ایران دخالت دهد و از مستشاران آمریکایی نیز در ایران استفاده شود. گری در انتقاد از سیاست‌های کاکس در ایران به کرزن نوشت "سیاست کاکس چیزی نیست جز استقرار رژیم تحت‌الحمایگی در

ایران. وقتی روسیه قدرت خود را بازیابد آن وقت انگلستان به تنهایی باید از استقلال ایران دفاع کند و این باری است که تحمیل آن بر دوش ملت انگلیس به عقیده‌ی من غیر منصفانه است. سیاستی که می‌خواهیم در ایران اجرا کنیم تمام دولت‌های بزرگ جهان را نسبت به ما بدبین خواهد ساخت. (اسناد قرارداد 1919، 1365: 171 -

(172)

شکست قرارداد

کارشکنی‌های احمدشاه علیه وثوق‌الدوله پس از بازگشت از سفر فرنگ بسیار بیشتر شد. او ناراضیان را به قصر خود دعوت می‌کرد و آن‌ها را به مخالفت با دولت ترغیب می‌کرد. (بهار، 1387: 68 / 1) وثوق‌الدوله در این شرایط تصمیم به استعفا گرفت به ویژه که نورمن وزیر مختار جدید انگلیس مانند کاکس نبود که از وثوق و سیاست‌هایش حمایت جدی کند. شاه استعفای وثوق‌الدوله را در چهارم تیر 1299 پذیرفت و مشیرالدوله مامور تشکیل کابینه شد. مشیرالدوله اعلام کرد که قرارداد تا به تصویب مجلس نرسد قابل اجرا نیست. انگلیسی‌ها در برابر این عمل مشیرالدوله اقدامی انجام ندادند. (مستوفی، 1343: 126 / 3)

در این زمان قرارداد عملاً با شکست روبرو شده بود. تزلزل و ناکامی قرارداد به افراد بیشتری فرصت و شهادت اظهار مخالفت را می‌داد. در دوران ریاست‌الوزرای سپهدار سی و نه نفر که جزو نمایندگان مجلس آینده بودند اعلامیه‌ای در روزنامه‌ی رعد منتشر کرده عدم موافقت خود با قرارداد را اعلام کردند. نمایندگان این افراد به دیدار نورمن رفته به او اطمینان دادند که قرارداد قابل اجرا نیست. (بهار، 1387:

(89)

مبارزه‌ی آمریکا، فرانسه و روسیه - سفید و سرخ - هر دو با قرارداد در شدت گرفتن فضای ضدانگلیسی و ضد قرارداد در ایران موثر بود. عدم حمایت مادی سایر وزارتخانه‌های دولت بریتانیا مثل وزارت هند، وزارت دارایی و حکومت هند از قرارداد نیز در ناکامی قرارداد دخیل بود. سیاست‌های امپریالیستی دولت انگلستان مورد انتقاد دسته‌هایی از مردم و احزاب انگلستان واقع شد. مردم می‌گفتند تا کی باید این مالیات‌های کمرشکن جنگی را بپردازند دولت انگلیس ناچار بود قدری دست و پای خود را جمع و بار مالیات خونی و پولی ملت را سبک کند انگلیس ناگزیر بود در اجرای قرارداد مماشات کند. (مستوفی، 143، 142؛ مهدوی، 1381:

(365

خروج سربازان انگلیسی از ایران برخلاف میل لرد کرزن آن هم هنگامی که بلشویک‌ها وارد گیلان شده بودند ضربه‌ی مهلکی به قرارداد وارد کرده موجب بی-اعتباری انگلیسی‌ها شد. زیرا مردم می‌دیدند انگلیسی‌ها ایران را در مقابل بلشویک‌ها تنها می‌گذارند و عملاً نشان می‌دهند که قصد کمک به ایران در شرایط دشوار را ندارند. بنابراین وعده‌های دوستانه آن‌ها مورد تردید قرار گرفت و این تصور شکل گرفت که وقتی آن‌ها حاضر به حمایت از ایران نیستند چرا آن‌ها را در اداره‌ی امور کشور سهیم کنیم.

اصلی‌ترین عوامل ناکامی قرارداد از نظر کرزن عبارت بود از " تغییر و تزلزل دائمی هیئت‌های دولت ایران، افتتاح نشدن مجلس، یک هوای آنتریک که سیاسیون و محیط تهران را احاطه نموده بود و خروج قوای انگلیسی از شمال ایران که موقعیت انگلستان در آنجا را تضعیف نمود" (مکی، 133:1357) سیدضیاءالدین پس از

رسیدن به مقام رییس‌الوزاری الغای رسمی قرارداد 1919 را از سفارت انگلیس درخواست نمود. انگلستان هم با این خواسته موافقت کرد. گرچه مدت‌ها بود که معلوم شده بود قرارداد دیگر امکان تصویب ندارد. "اما همین اقدام سیدضیاء موجب شد که او از چشم کرزن بیفتد و کرزن از او حمایت نکند" (کاتوزیان، 333)

نتیجه‌گیری

در اواخر جنگ جهانی اول به دلیل انقلاب روسیه و شکست آلمان در جنگ زمینه برای نفوذ و سلطه‌ی انحصاری انگلستان در ایران فراهم شد. انگلیسی‌ها به منظور حفظ و تامین منافع خود علاقه‌مند شدند اوضاع پریشان ایران نظم و سامانی بگیرد. اوضاع مالی ایران بسیار بد بود. دولت ایران به کمک‌های مالی انگلستان نیازمند و وابسته شده بود. انگلستان برای مدتی طولانی نمی‌توانست این کمک‌ها را که برای ایران حیاتی بود ادامه دهد. قطع کمک‌ها نیز در آن شرایط ایران و منافع انگلستان در این کشور را به خطر می‌انداخت. پس راه بهتر این بود که ایرانیان را یاری دهند تا بتوانند با رفع مشکلات درآمدهای ملی خود را افزایش داده نیازمند کمک انگلستان نباشند. عده‌ای از سیاستمداران ایرانی پذیرفته بودند که در سازمان‌های مالی و اداری ایران باید تجدیدنظر شود و کشور به یک ارتش متحدالشکل نیاز دارد. وثوق‌الدوله اعتقاد داشت انگلیسی‌ها به دلیل منافع خود در ایران حاضرند ایران را جهت انجام اصلاحاتی یاری دهند. وثوق‌الدوله قرارداد 1919 را پذیرفت زیرا در شکل و محتوای آن خطر و تهدیدی علیه ایران را احساس نمی‌کرد. علاوه بر این به هنگام عقد قرارداد انگلیسی‌ها به او وعده دادند که از ادعاهای ایران جهت ایجاد تغییراتی

در مرزهایش و گرفتن غرامت به سبب خسارت‌هایی که در طول جنگ به ایران وارد شده بود پشتیبانی نمایند. از سوی دیگر انگلستان یا به عبارت درست‌تر لرد کرزن هم در قبولاندن قرارداد به ایران اصرار داشت. کرزن باور داشت برقراری نظم، ثبات و امنیت در ایران برای حفظ منافع انگلستان چه در ایران و چه در مناطق هم‌جوار آن بسیار ضروری است و قرارداد این خواسته‌ها را برآورده می‌کند. کرزن در سخنان خویش همیشه به حفظ استقلال ایران تاکید می‌کرد اما باید در نظر داشت که میان معنای استقلال ایران از نظر ایرانیان با معنای استقلال ایران از نظر کرزن تفاوت وجود داشت. کرزن حضور و مشارکت انگلیسی‌ها در امور داخلی ایران را منافی استقلال ایران نمی‌دانست. بلکه این رفتار را حضوری دوستانه و خیرخواهانه به شمار می‌آورد اما همین حضور دوستانه در نظر گروهی از ایرانیان می‌توانست به معنای نادیده گرفتن استقلال کشور باشد.

مخالفت افراد و گروه‌های مختلف با قرارداد با انگیزه‌هایی کاملاً متفاوت به همراه مخالفت فرانسوی‌ها، آمریکایی‌ها و روس‌ها با قرارداد فضایی خاص در اطراف قرارداد 1919 که عملاً هنوز به مرحله‌ی اجرا هم درنیامده بود و رسمیت نیافته بود ایجاد نمود. باید در نظر داشت مخالفت با قرارداد مخالفت از بالا بود یعنی درباریان، دولت‌مردان، رجال سیاسی، عده‌ای از تجار، بعضی خانواده‌های اشرافی، روحانیون، سفارتخانه‌های خارجی، ایرانیان ساکن در خارج از کشور و مطبوعات کشورهای خارجی مخالفت و اعتراض علیه قرارداد را شروع کردند نه توده‌های مردم. جالب این‌که از جانب توده‌های مردم شورش و بلوایی علیه قرارداد برپا نشد. مناطق ناآرام گیلان و آذربایجان شرایط متفاوتی داشت. اسناد نیز از تکاپوهای توده‌های مردم علیه

قرارداد سخن نمی‌گویند بلکه همه جا سخن از افراد سرشناس و متنفذ است. بنابراین یکی از دلایل پرهیاهو شدن قرارداد 1919 جایگاه اجتماعی و موقعیت سیاسی معترضان است. البته سخن معترضان که قرارداد استقلال ایران را از بین برده و آن را به تحت‌الحمایه‌ی انگلیس تبدیل می‌کند در ایجاد یک فضای هیجانی در پیرامون قرارداد موثر بود. مخالفت فرانسوی‌ها، امریکایی‌ها و روس‌ها با قرارداد موجب شد ایرانیان احساس کنند خطرات این قرارداد به اندازه‌ای است که حتی بیگانگان هم نگران ایران شده‌اند. به ویژه که آمریکا کشور خوشنامی بود و ایرانیان آن کشور را دوستدار خود می‌دانستند. فرانسوی‌ها نیز سالیان دراز بود که در ایران مطامع و منافع خاصی را دنبال نکرده بودند پس ایرانیان نسبت به واکنش آن‌ها درباره قرارداد نمی‌توانستند بدبین باشند. دولت جدید روسیه نیز به دلیل اقدامات دوستانه‌ای که از خود نشان داده بود مورد توجه عده‌ای از ایرانیان بود. ایرانیان مخالفت آن‌ها با قرارداد را صادقانه و از روی خیرخواهی می‌دانستند و نه رقابت با انگلستان. فضای سیاسی مسموم آن روزگار ایران هم در ایجاد هیاهو در پیرامون قرارداد بی‌تأثیر نبود. فضایی پر از دسیسه، توطئه، شایعه‌سازی، تخریب افراد و بیکارگی شخصیت‌های سیاسی که تمام وقت خود را صرف سخن گفتن‌های بیهوده و تلاش در از میان برداشتن رقبا و افراد متفاوت با خود می‌کردند. عمل سیاسی این افراد تابع منافع فردی‌شان بود.

مخالفت‌های همه‌جانبه با قرارداد، افتتاح نشدن مجلس جهت نظردهی راجع به قرارداد، عدم پشتیبانی همه‌جانبه انگلیسی‌ها از قرارداد، تاخیر در تصویب و اجرای آن و سقوط وثوق‌الدوله باعث لغو شدن قرارداد شد. عده‌ای شکست قرارداد را

موجب نجات یافتن ایران از فاجعه‌ای بزرگ به شمار می‌آورند. فاجعه‌ای که می‌رفت استقلال ایران را بر باد دهد. باید گفت، دلایلی در دست نیست که ثابت کند قرارداد با نابودی استقلال ایران این کشور را تحت‌الحمایه‌ی انگلستان می‌کرد. در مقابل این احتمال که ممکن بود قرارداد ایران را تحت‌الحمایه انگلستان کند می‌توان این احتمال را مطرح کرد که اگر قرارداد اجرا می‌شد و در نتیجه‌ی آن مشکلات مالی، اداری و نظامی ایران رفع می‌شد، موضوع تغییر سلطنت پیش نمی‌آمد. نظام مشروطه‌ی پارلمانی بدون حضور یک دیکتاتور به حیات خود ادامه می‌داد. به جای اصلاحات آمرانه، اصلاحات تدریجی در کشور انجام می‌شد و مردم گرفتار مصایب ناشی از تغییر سلطنت و نظام حکومتی نمی‌شدند.

پی نوشت:

- 1- برای دیدن این سخنان (نک: مکی، 1357:42)
- 2- برای دیدن این گفتگوها (نک: شیخ الاسلامی، 1368، ج 1: 178-167)
- 3- برای دیدن این سخنان (نک: مکی، 1375: 63-54 و همچنین 121-117)
- 4- برای دین نمونه‌هایی از این دیدگاه‌ها (نک: شیخ‌الاسلامی، 1368، ج 1: 108) و (مهدوی، 1381:372)
- 5- برای دین این اعلامیه (نک: مکی، 1357: 34-27)
- 6- برای دیدن این اعلامیه (نک: اسناد قرارداد، 1919، 1365: 109-107)
- 7- برای دیدن متن این تلگراف (نک: اسناد قرارداد، 1919، 1365: 285-280)

- 8- برای دیدن این دو نامه ی مهم (نک: اسناد قرارداد 1919، 1365:30)
- 9- برای دیدن نطق احمدشاه در این مهمانی (نک: شیخ الاسلامی، 1368، ج 1: 444)
- 10- برای دیدن مطالبات مالی افرادی نظیر معین التجار بوشهری و حاجامام جمعه خوئی و قول و قرارهای مالی وثوق با آنها (نک: کمره‌ای، 1384، ج 2: 1385 و 1126)
- 11- برای دیدن نمونه (نک: کمره‌ای، 1384، ج 2: 935)
- 13- در صفحات گوناگون خاطرات کمره ای به ارتباط آشکار وی و دوستانش با افراد کمیته مجازات اشاره شده است برای نمونه (نک: کمره ای، 1384، ج 1: 402 و 379 و 377 و 366 و 345 و 310 و 287 و 273 و 279 و 222 و 208 و 189 و 119)
- 12- برای چگونگی شکل گرفتن ضدتشکیلی ها (نک: بهار، 1387، ج 1: 60)
- 14- برای دیدن این اقدامات (نک: کمره‌ای، 1384، ج 1: 719 و 718 و 716 و 667 و 660 و 649)
- 15- برای دین برداشت کمره ای از قرارداد (کمره‌ای، 1384، ج 2: 1195-1194).
- 16- برای دیدن این پیشنهادها (نک: مستوفی، 1343، ج 3: 96-99)
- 17- برای دیدن فعالیت مدرس علیه قرارداد (نک: اسناد قرارداد 1919، 1365: 89)
- 18- برای دیدن متن این اعلامیه (نک: اسناد قرارداد 1919، 1365: 93-92)
- 19- برای دیدن نامه دیویس (نک: اسناد قرارداد 1919، 1365: 100)

20 - برای دیدن دیدگاه استراسلسکی فرمانده سپاه قزاق درباره قرارداد (نک: اسناد قرارداد 1919، 1365: 67 - 68)

21 - برای دیدن دیدگاه چلمسفورد (نک: کاتوزیان، 1380: 129)



منابع و مأخذ

- اسناد حرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره ی قرارداد 1919 ایران و انگلیس، جلد اول. ترجمه جواد شیخ الاسلامی، تهران، کیهان، چاپ اول، 1365.
- آبادیان، حسین، تاریخ سیاسی معاصر ایران جنگ جهانی اول تا کودتا 1299-1293 تهران موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ دوم، 1390.
- آوری، پیترو، تاریخ معاصر ایران. جلد یکم، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی تهران، عطایی، چاپ سوم، 1373.
- بهار، محمد تقی، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، دو جلد، تهران، زوار، چاپ اول، 1378.
- تبریزی شیرازی، محمدرضا، زندگانی سیاسی اجتماعی سید ضیاءالدین طباطبایی، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، 1379.
- دولت آبادی، یحیی، حیات یحیی، جلد چهارم، تهران، انتشارات عطار و انتشارات فردوس، چاپ ششم، 1371.
- سپهر، احمدعلی، خاطرات سیاسی مورخ الدوله سپهر، به کوشش احمد سمیعی، تهران نامک، 1374.
- شیخ الاسلامی، محمد جواد، سیمای احمد شاه قاجار، جلد یکم، تهران، نشر گفتار، چاپ یکم، 1368.
- صفایی، ابراهیم، رهبران مشروطه جزوه چهاردهم، وثوق الدوله، تهران، چاپ شرق، 1344.

غنی، سیروس، ایران برآمدن رضاخان برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، ترجمه‌ی حسن کامشاد، تهران، نیلوفر، چاپ سوم، 1380.

کاتوزیان، محمدعلی همایون، دولت و جامعه در ایران انقراض قاجار و استقرار پهلوی ترجمه‌ی حسن افشار، تهران، مرکز، چاپ دوم، 1380.

کمره ای، سیدمحمد، روزنامه خاطرات، به کوشش محمدجواد مرادی‌نیا. 2 جلد تهران، اساطیر، چاپ اول، 1384.

مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره‌ی قاجار جلد 3، تهران، زوار، چاپ دوم، 1343.

مکی، حسین، مختصری از زندگانی سیاسی سلطان احمد شاه قاجار، تهران، امیرکبیر، 1357.

مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران، امیرکبیر، چاپ هشتم، 1381.

نجمی، ناصر، وثوق الدوله و قرارداد ننگین 1919، تهران، گوتنبرگ، چاپ یکم، 1381.



پښتونستان د علوم او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی